

تشریح منطق عام سازمانیابی کارگران چه در حوزه توزیع (تعاونی ها) چه در حوزه بهبود فروش شرایط کار (اتحادیه ها) و چه در حوزه کنترل و مدیریت تولید (شوراها)... یکی از وظایف دائمی و پایدار فعالان چپ و کارگران پیشرو به شمار می‌رود. اما سازمانیابی به طور مشخص در این یا آن کشور، در این یا آن مرحله از فراز و فرود جنبش کارگری در یک جامعه معین، بدون یک سیاست راهبردی استوار بر شناخت دقیق مختصات طبقه، پیشینه آن، توزیع رشته ها و شاخه های اقتصادی، جغرافیایی آن، ترکیب ملی و جنسی آن از یک سو و فعالیت خلاقانه عملی متناسب با هر وضعیت سیاسی از سوی دیگر، امری ناممکن است. یکی از مولفه هایی که به سهم خود میتواند در تحقق این امر به ما یاری رساند عطف توجه به مسایل مشابه اردوی کار در سایر کشورهاست. آن چه میخوانید یکی از تجربه های موفق در امر سازمانیابی- ابتکار ایجاد مراکز کار بر پایه جماعت معین و پیوند محل کار با محل زندگی- در امریکا است که تا حدود زیادی با مسایل جنبش کارگری کشور ما شباهت دارد. توجه به این ابتکار کارگری و هضم و جذب و بررسی انتقادی این تجربه از منظر ما وظیفه ای است تعطیل ناپذیر. از این رو ما مطالعه این تجربه را به همه فعالان چپ و کارگران پیشرو توصیه میکنیم.

کارگران مهاجر و تشکلهای اجتماعی/کارگری در ایالات متحده

کیم مودی

نسرین ابراهیمی

مهاجرت انسانی به یکی از ویژگیهای اساسی ادغام اقتصاد جهانی تبدیل شده است. حالا دیگر فقط کالاها و خدمات، سرمایه گذاری و سرمایه نیست که به سادگی مرزها را در می‌نوردد، بلکه میلیونها موجود انسانی از جا کنده شده بوسیله دگرگونیهای اقتصادی وجود دارند که در جستجوی شغلی جایگزین، درآمد و بقای خود میگردند. در حالیکه در سال ۱۹۶۰ حدود ۷۵ میلیون نفر خارج از کشور محل تولدشان زندگی میکردند، حتی قبل از سال ۲۰۰۵ به استثنای کسانی که در داخل اتحاد جماهیر شوروی سابق مهاجرت میکردند این رقم به ۱۶۷ میلیون رسید، (سازمان ملل ۲۰۰۵، ص. ۱). این روند از اواخر ۱۹۸۰ شروع شد، اکثر این مهاجرین به کشورهای توسعه یافته راه پیدا کردند، جایی که دستمزد، چندین برابر آن چیزی بود که در مهین خود میتوانستند دریافت کنند. تا قبل از ۲۰۰۵، از ۱۶۷ میلیون مهاجر، ۹۴ میلیون آن در اقتصاد شمال بودند، و بیشترین تعداد در ایالات متحده. در بیشتر کشورهایی که این انبوه مهاجرت به آنجا جریان دارد این نیاز وجود دارد که این کارگران از جان گذشته شغلهایی را پُر کنند که رشد طبیعی جمعیت دیگر قادر به تامین آن آن نیست. با این وجود هنوز با کارگران مهاجر بد رفتاری میشود و پرداخت مزد امری ناچیز به شمار می‌رود. هر چند که وطن/اقامتگاه جدید آنها ممکن است بیگانه و خصمانه

باشد، آنها همانند بسیاری از پیشینیان خود به تشکیلات به عنوان وسیله ای برای دفاع از منافع اقتصادی خود روی می‌آوردند. در ایالات متحده، در اول ماه مه ۲۰۰۶ یعنی هنگامی که میلیونها کارگر مهاجر در دفاع از حقوقشان اعتصاب و/یا تظاهرات کردند، طبیعت و سرشت عمدتاً غیرمحسوس و نامرئی فعالیتهای تشکیلاتی مهاجرین ناگهان در ابعاد وسیعی جلوه‌گر شد. در این بخش میزان مهاجرت در ایالات متحده، تاثیرات آن بر نیروی کار، و تلاشهای کارگران مهاجر برای متشکل شدن در اتحادیه‌ها و تشکلهای پایه اجتماعی مورد بررسی قرار میگیرد.

مهاجرت

در ایالات متحده جمعیت مهاجر در سالهای ۱۹۵۰ کاهش یافته بود و در سالهای ۱۹۶۰ راکد ماند. از اواسط سالهای ۱۹۸۰ مهاجرت به شدت شتاب گرفت و جمعیت متولد در خارج از ۷/۹ میلیون در سال ۱۹۷۰ به ۲/۳۵ میلیون در ۲۰۰۵ رسید. تا قبل از ۲۰۰۶ نیروی کار شاغل متولد خارج به بیش از ۲۲ میلیون رسید، که ۴/۱۵ درصد از شاغلین در ایالات متحده را شامل میشود. (مرکز آمار کارگری، ۲۰۰۷، جدول ۱؛ وزارت بازرگانی، ۲۰۰۱، صفحات ۴۵-۴۴ و ۲۰۰۷ ص. ۴۷). نیروی کار مهاجر در حالیکه رشد میکرد (از نظر تعداد نه ضرورتاً موقعیت قانونی) شماری از تدابیر را اتخاذ کرد و اجرای آن را در ایالات متحده تضمین می‌کرد، متشکل شدن برای بهبود مشکلات اقتصادی، اجتماعی و قانونی را آغاز کرد. برای انجام این کار، به اتحادیه‌های سنتی روی آوردند، اتحادیه خود را ایجاد کردند و انواع جدیدی از تشکلهای اجتماعی کارگری را ساختند.

الگوی مهاجرت تغییر کرده است. در سال ۱۹۴۰، بیشترین تعداد مهاجرین هنوز از اروپا می‌آمدند. هر چند در ۱۹۶۰، سرازیر شدن مردم از مکزیک، کارائیب، آمریکای مرکزی و جنوبی، از اروپا پیشی گرفت. مهاجرت از آسیا هم چنین به سرعت رشد کرد، فیلپین بزرگترین گروه را تشکیل میدهد. در اوایل سالهای ۱۹۹۰ با وجود افزایش مهاجرت از کشورهای شوروی سابق، کاهش مهاجرت اروپائیها در سالهای ۱۹۷۰، ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ به طور کامل ادامه داشت. با جاری شدن مهاجرین قانونی از مکزیک، آمریکای مرکزی، و کارائیب، که از پیش به میزان قابل توجه ۵/۱ میلیون برای تمامی دهه ۱۹۷۰ رسیده بود، در سالهای ۱۹۸۰ بود که مهاجرت به ایالات متحده به شکل انفجاری خود در آمد و تقریباً به دو برابر، نزدیک به سه میلیون رسید.

برخلاف اکثریت مهاجرین آسیائی، که تعداد آنان نیز همچین افزایش یافته است، مهاجرین مکزیکی، آمریکای مرکزی، و کارائیب "بر پایه" اولویتهای استخدامی که به نفع تحصیل کرده های حرفه ای است، مهاجرت نکردند. اینها مردم فقیری هستند که از ویرانه های جهانی شدن می گریزند. (وزارت امنیت داخلی، 2005: جدول 3 و 10؛ وزارت دادگستری آمریکا، 1999، ص 25-26).

بعلاوه، بر اساس ارزیابی های سال ۲۰۰۵، بین ۱۰/۵ و ۲۰ میلیون مهاجر غیرمجاز و بدون مدرک در ایالات متحده وجود دارد. بیش از حدود ۸۰ درصد از آنها از سال ۱۹۹۰ آمده بودند. (وزارت امنیت داخلی، 2005، 2006، ص 5، مارشال، 2007 ص 1). تا قبل از سال ۲۰۰۵، از ۱۲/۳ میلیون جمعیت متولد در خارج ۲۱/۷ میلیون شهروند نبودند. از ۱۹ میلیون کارگر حقوق و دستمزد بگیر متولد خارج در سال ۲۰۰۵، تقریباً ۱۲ میلیون شهروند نبودند.

بزرگترین تأثیر عامل جمعیتی بر روی نیروی کار ایالات متحده به مراتب تأثیر مهاجرین آمریکای لاتین بر نیروی کار لاتینی ها بوده است. در طی سالهای ۱۹۸۵ تا ۲۰۰۴ نیروی کار لاتینی های شهروند از ۶/۷ درصد به ۱۳/۱ درصد رسید یعنی نزدیک به دو برابر شد، که از سیاهان به عنوان بزرگترین گروه اقلیت پیشی گرفت. از ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۴ بیش از ۷ میلیون لاتینی به نیروی کار پیوستند، که ۴۶ درصد از کل سود به دست آمده در این دوره را شامل میشود. (مانتلی لیبرز ریویو، آمار اخیر کارگری، 129 (5)، مه 2006، ص 59-60، چکیده آماری سال 2006، ص 388، سال 2000 ص 404، سال 1990، ص 380، سال 1984، ص 406).

تا قبل از ۲۰۰۴، ۵۴ درصد از نیروی کار لاتینی های شهروند در ایالات متحده متولد خارج هستند در حالیکه تعداد آسیائی های مشغول به کار در سالهای اخیر ثابت مانده است، تعداد لاتینی ها در طول ۵ سال تا ۲۳ درصد رشد کرده است. غالب آنان تا حدود زیادی از مکزیکی می آیند.

در حالیکه مهاجرین آمریکای لاتینی را همانند آسیائیهایی میتوان تقریباً در همه جای ایالات متحده پیدا کرد، آنها تمایل به تمرکز در چند منطقه شهری، به ویژه نیویورک، لس آنجلس، شیکاگو و میامی دارند (لمفر I، استپیک، آ. و گرنیر، جی. 1994، ص 19-1). گروه های قومی عمده لاتینی ها در این شهرها متفاوت هستند: دومینکن ها و پترو ریکن ها در نیویورک؛ مکزیکی ها و آمریکای مرکزی ها در لس آنجلس و شیکاگو؛ کوبائی ها در میامی و غیره. تا قبل از سال ۲۰۰۰ در نیویورک ۲۷ درصد از جمعیت لاتینی ها

بودند، در لس آنجلس ۴۷ درصد بود. در اکثر محاسبه ها، جمعیت جدید مهاجر در تجدید حیات اقتصادی مناطقی مانند لس آنجلس و نیویورک نقش داشته است که با صنعت زدائی در سالهای ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ ضربه خورده بودند. (ر- هاله، ر- گوردون، و آ بوریدج، ۲۰۰۳، ص ۱-۱۹).

در سال ۲۰۰۵ چهار ایالت کالیفرنیا، نیویورک، فلوریدا و تکزاس بیش از نیمی از مهاجرین پذیرفته شده را جذب کردند. بدین ترتیب مدل و الگوی جغرافیائی مقصد و اقامت تغییر کرد، لذا تا قبل از ۲۰۰۵، ۲۸ درصد از جمعیت مهاجر در جنوب زندگی میکرد که ۳۲ درصد از نیروی کار شاغل متولد خارج ایالات متحده را شامل می شد (وزارت بازرگانی، ص ۴۴-۴۶، ۲۰۰۶؛ دیوان آمار کارگری، ص ۴۴-۴۶، ۲۰۰۶).

درآمدها و اشتغال

کارگران مهاجر به طور متوسط نسبت به کارگران متولد در محل به طور قابل توجه درآمد کمتری دارند. همانگونه که جدول زیر نشان میدهد، متوسط دستمزد و حقوق هفتگی کارگر متولد خارج حدوداً سه چهارم کارگر متولد در محل است. هر چند تا حدودی شگفت آور، اما درآمد مهاجرین سفید و سیاه با درآمد گروه/نژاد مشابه محلی مساوی است. احتمال تمرکز کارگران متولد خارج در مشاغلی با کار بدنی و خدماتی به مراتب بیشتر از کارگر متولد در محل است. اینها یا مشاغلی سنتاً با دستمزد پائین هستند، مثل آماده کردن غذا و یا مشاغلی مثل تعمیرات/نگاهداری ساختمانها و ساخت و ساز که به علت تغییر ساختار صنعتی در دو دهه گذشته یا پیش از آن، جزو این دسته به شمار میرفتند. جریان مهاجرت لاتینی از بیش از دو دهه پیش برای این مشاغل با درآمد پائین بوده است. با توجه به رشد بالای مهاجرین لاتینی بدون مدرک، شاید آنها نسبت به سایر اقشار به مقیاس بیشتر آسیب پذیر باشند.

جدول درآمد متوسط هفتگی گروههای قومی: متولدین خارج و کسانی که در آمریکا بدنیا آمده اند

قومیت	متولد خارج	متولد در محل	در صد محلی ها
کل	\$ 511	\$ 677	٪76.6
سفید	\$ 733	\$ 720	٪102.8
سیاه	\$ 521	\$ 521	٪100.0
آسیائی	\$ 747	\$ 774	٪96.1
لاتینی	\$ 412	\$ 555	٪74.2

منبع: بی ال اس، کارگران متولد خارج: خصوصیت نیروی کار در سال 2005، یو اس دی ال 06-640،
 آپریل 2006، جدول 5.

توزیع شغلی لاتینی ها و آسیائیهها جالب توجه است. تا قبل از سال ۲۰۰۵، کارگران متولد خارج، ۱۵ درصد نیروی کار را شامل میشدند. تقریباً (۴۹) درصد لاتینی ها، در حالیکه ۲۲ درصد آسیائی بودند (ص 1 دفتر آمار کارگری، سال 2005). هر دو گروه در صنایع و مشاغل مشخصی حضور درازمدتی داشته اند که به دهه ها پیش و یا بیشتر بر میگردد. با این وجود، رشد سریع تعداد هر دو گروه، به آنها جایگاه مشخصی در تغییر جمعیتی طبقه کارگر ایالات متحده میدهد. جدول ۲ مشاغل عمده هر یک از دو گروه قومی را نشان میدهد، که هم متولدین خارج و هم متولدین در محل را شامل می شود.

آنچه که به نظر روشن است این است که کارگران لاتینی، چه متولد در محل (آمریکا) و چه مهاجر، از روی ضرورت و اجبار نه انتخاب در بعضی از مشاغل با پرداخت کم کار میکنند.

رقابت برای دستیابی به شغل بین مهاجرین و محلی ها به وسیله پدیده ای به نام "شکاف قومی" یا "صف/نوبت" کاهش یافت که به وسیله روجر والدینگر جامعه شناس توصیف شد، (ص 94-136، 1996).

جدول ۲ گروه‌های عمده شغلی آسیائیا و لاتینی ها در ایالات متحده، ۲۰۰۴ (به هزارها و درصد)

حرفه	کل (000 ها)	آسیائی ها/٪	لاتینی ها/٪
کل	139.252	5988 (٪.100)	17964 (٪.100)
مدیریتی، حرفه ای	48532	2718 (٪.45)	3106 (٪.17)
خدمات	22720	977 (٪.16)	4340 (٪.24)
فروش و دفتری	35464	1383 (٪.23)	3830 (٪.21)
ساختمان، تعمیر و منابع طبیعی	582 14	263 (٪.4)	3223 (٪.18)
تولید و حمل و نقل	17954	682 (٪.11)	3447 (٪.19)

منبع: چکیده آماری، ص 401-405، 2006.

این لاتینی ها بودند که وارد مشاغلی می شدند که دیگر گروهها اغلب بدلیل بازسازی صنعتی و شغلی ترک کرده بودند، و در نتیجه رقابت در سطح حداقل قرار داشت. هر چند شاید ساده انگارانه باشد که وجود سطحی از رقابت میان گروههای جدیدتر مهاجر و سایر کارگران را انکار کرد. فضا و مکان در شهر محدود است و انتقال و گذار از یک گروه به گروه دیگر در یک محل مشخص و محدود با اصطکاکهایی صورت میگیرد.

آنچه که به نظر میرسد هنوز همانند صد سال پیش است، این است که گرایش قوی ای برای گروههای گوناگون مهاجر وجود دارد، که در مشاغل یا صنایع معینی در محل جغرافیائی معلومی متمرکز شوند که کارگران متولد در محل آن مشاغل را ترک کرده یا در حال ترک آن اند. چنانچه برای مثال در لس

آنجلس، کارگران تعمیر کار ساختمانی، همچنین کارگران نصب کننده قطعات دیوار داخلی و رانندگان کامیون در اسکله، اغلب مکزیکی و آمریکای لاتینی هستند. در نیویورک مهاجرین لاتینی در فروشگاه های میوه و سبزی فروشی و آشپزخانه های رستورانها کار میکنند، درحالیکه هندی و پاکستانیها رانندگان تاکسی هستند. در چنین مواردی رقابت کمی با دیگر گروههای کارگران باقی میماند.

اهمیت کار مهاجرین برای اقتصاد ایالات متحده

مهاجرین نه تنها "مشاغل را از کارگران متولد در محل نمیگیرند" بلکه وقفه و شکاف وخیم موجود در رشد نیروی کار را پُر میکنند. وزیر کار پیشین ری مارشال (ص 1. 2007) می نویسد.

مهاجرین به ویژه برای اقتصاد ایالات متحده مهم هستند. آنها در رشد بیش از نیمی از نیروی کار در طی سالهای ۱۹۹۰ و ۱۹۰۰ در صد افزایش استخدامها بین سالهای ۲۰۰۰ و ۲۰۰۵ به حساب می آیند. بدلیل اینکه برای ۲۰ سال دیگر در آمریکا، افزایشی در تعداد اصلی کارگران در سن کار (۵۴- ۲۵) وجود نخواهد داشت، از اینرو قدرت اقتصاد آمریکا میتواند با وزن زیادی به این وابسته باشد که چگونه ملت، مهاجرین را به سیاست اقتصادی و اجتماعی ارتباط میدهد. نه فقط مهاجرین برای پُر کردن رشد مشاغل و بازدهی لازم هستند، بلکه بدلیل اینکه آنها اغلب برای استخدام وارد شده اند، لذا با دستمزد کمتری نسبت به کارگران محلی کار خواهند کرد.

بنابراین مهاجرین نه فقط مشاغلی را پُر میکنند که برای پر کردن آن (از طرف کارفرما) باید التماس و تمنا میشد، بلکه حوزه های کلیدی اقتصاد ایالات متحده را تقویت و حمایت میکنند و نرخ سودی را عرضه میکنند که در غیر اینصورت غیر ممکن بود.

حتی این حقیقت، اهمیت اقتصادی کارگران مهاجر را به طور کامل آشکار نمیکند. به دلیل اینکه بسیاری از مهاجرین به طرق گوناگون آسیب پذیر هستند، کارفرمایان به طور معمول تلاش میکنند به بسیاری از آنها کمتر از حداقل دستمزد پردازد، نمونه قابل مشاهده آن را میتوان در رونق صنعت ساخت و ساز مسکونی در شهر نیویورک یافت. در آنجا از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۵ ارزش قرارداد ساخت و ساز مسکونی تا ۱۳۲ درصد بالا رفت. در حالی که در زمان مشابه، تعداد رسمی کارگران با صورت پرداخت/لیست حقوق تنها حدود ۱۶ درصد، برای حدود ۵۳۶۳ کارگر افزایش یافت. این سودآوری معجزه آسا، با رده بندی اشتباهی ۱۵۷۲۵

کارگر جدید، تحت عنوان شغل آزاد به انجام رسید؛ از اینرو این کارگران که از طریق استخدام و دریافت دستمزد دولتی رایج صنعت ساختمانی، باید مشمول حقوق اتحادیه ای، یا حتی حداقل دستمزد فدرال میشدند، از این حق محروم شدند. اکثر این کارگران مهاجر هستند. مطالعات دانشگاه کورنل در رابطه با استخدام در ایالت نیویورک، ارزیابی میکند که با این روش بین سالهای ۲۰۰۲ و ۲۰۰۵ بیش از هفتصد هزار کارگر و یا ۱۰ درصد نیروی کار ایالتی اشتباه رده/طبقه بندی شدند. هیچ یک از اینها نمیگویند که کارگران مهاجر از جمله آنهایی که بدون مدرک هستند، مقاومت و مخالفت نمی کنند یا بی توجه هستند.

کارگران مهاجر و اتحادیه ها

بر اساس ارزیابی موسسه سیاست مهاجرت، ۱/۸ میلیون کارگران متولد در خارج در سال ۲۰۰۳ به اتحادیه ها تعلق داشتند، که نسبت به سال ۱۹۶۰ که ۱/۴ میلیون بود بالاتر رفته، افزایشی ۸/۹ تا ۱۱/۵ درصدی در آن دوره داشت. افزایش سریع درصد اعضای اتحادیه متولدین خارج بخشاً به دلیل کاهش عضویت کارگران متولد در محل بود، اما این افزایش چهار صد هزار نفری به دلیل افزایش سازمانیابی در بین کارگران مهاجر است (موسسه سیاست مهاجرت، ۲۰۰۴، ص ۴). میلکمن در مقدمه بر مطالعه اخیر سازماندهی مهاجرین، در رابطه با سازمانیابی کارگران مهاجر به نتایج زیر رسید:

"نکته کلیدی در این تحلیل این است که مهاجرین اخیر (آنهایی که در سالهای ۱۹۹۰ یا بعداً رسیدند) به احتمال کمتری به شکل اتحادیه متحد میشوند، در حالیکه کسانی که طولانی تر در ایالات متحده بوده اند (قبل از ۱۹۸۰ آمده اند) سطح گرایش به اتحادیه حدوداً دو برابر تازه واردین است، و در کالیفرنیا چهار برابر بیشتر است".

میلکمن ادامه میدهد، احتمال عضویت در اتحادیه در واقع برای جا افتاده ترین - و برای فرعی ترین گروههای مهاجرین - وجود دارد. به دیگر سخن با گذر زمان در حالیکه مهاجرین به سرزمین جدیدشان خو گرفته و عادت میکنند، موقعیتشان تثبیت شده یا شهروند میشوند؛ آنگاه است که آنان به همان میزان آمریکائیهای متولد در محل و یا بیشتر به اتحادیه می پیوندند یا آنرا سازماندهی میکنند. بیرون آمدن میلیونها مهاجر در اول ماه مه ۲۰۰۶ قطعاً نشانه آنست که آنها حتی با وجود روبرو شدن با سرکوب و احتمال از دست دادن شغل، برای زندگی بهتر می جنگند. این نشانه ها و علائم از آنجائی که میتوانند بنیاد

و زمینه برای سازمانیابی حال و آینده باشند بسیار مهم هستند. با وجود اینکه اتحادیه های ایالات متحده سابقه برخورد و عملکرد ضد خارجی دارند، این مساله شروع به تغییر کرده است. بعلاوه، مهاجرین از پیش شروع به سازمانیابی در اشکال مختلف کرده اند. سؤال این است که آیا استراتژی و ساختار امروزه اتحادیه ها برای اینکار مناسب است؟ آیا حتی آنها به برخی از گروه های مهاجرین با پتانسیل بالقوه چانه زنی نگاه میکنند؟

در اول مه ۱۸۸۶ هزاران کارگر، بسیاری از آنها مهاجر در سراسر آمریکا برای هشت ساعت کار روزانه اعتصاب کردند و آنچه را که بعد ها به عنوان روز بین المللی کارگران تقریباً در همه نقاط جهان به جز ایالات متحده شناخته شد، بوجود آوردند. صد و بیست سال بعد در اول ماه مه، میلیونها کارگر مهاجر برای حق کار کردن بدون اذیت و آزار در ایالات متحده اعتصاب و تظاهرات کردند. و آنرا "یک روز بدون مهاجرین" نامیدند. برای بخشی و یا تمام روز بسیاری از بدترین مشاغل از نظر دستمزد، بدون کارکن باقی ماند. اگر تخمین پنج یا شش میلیون شرکت کننده درست باشد، پس شاید یک چهارم از ۲۱ میلیون کارگر متولد خارج به نوعی دست به اقدام زدند. بر خلاف اول مه ۱۸۸۶ اتحادیه ها برای این اقدام فراخوان نداده بودند و فقط نقش حمایت کننده را بازی کردند. شبکه ای در حدود ۶۰۰ تشکیلات دفاعی و اجتماعی با پشتیبانی کلیسای کاتولیک همچون ستون فقرات تشکیلاتی برای اول ماه مه و تظاهرات ماه مارس و آپریل که به دنبال آن آمد، خدمت کردند. (آرشیوولد، ۲۰۰۶). بدلیل اینکه سازمان دهندگان در شهرهای گوناگون دستور کار مختلفی داشتند، مشارکت بیشتر از همه موثر و چشمگیر بود. بعضی ها فراخوان تحریم یا ماندن در خانه را دادند، اما بعضی مثل کاردینال روجر ماهونی هشدار دادند که تظاهرکنندگان شغلشان را به خطر نیندازند. با این وجود دهها و صدها هزار در سراسر شهرهای کشور بیرون آمدند.

اتحادیه ها نقش حمایت کننده را در رویدادهای اول ماه مه بازی کردند. مثلاً در لس آنجلس آنها بیش از ۸۰ هزار دلار برای اینکار کنار گذاشتند و بیشتر کارهای تدارکاتی را انجام دادند. رهبران اس. ای. آی. یو (اتحادیه بین المللی کارکنان خدمات) و آ. اف. اس. سی. ام. ای (فدراسیون کارکنان آمریکا کارکنان شهرستان و شهرداریها) همچون رابط بین تشکلهای مهاجرین عمل کردند و رانندگان کامیون دو ماشین ۱۸ چرخ برای هدایت راهپیمائی تهیه کردند (واتانابه و ماتیوز، ۲۰۰۶). در سال ۲۰۰۰ با تغییر چشمگیر

در سیاست آی. اف ال- سی. آی او (فدراسیون کار آمریکا - کنگره سازمانهای صنعتی) هنگامیکه آنها عفو عمومی برای کارگران بدون مدرک را پذیرفتند، حمایت کارگری تقویت شد. این به نوبه خود تظاهرات پانزده هزار نفری در واشنگتن دی سی را بدنبال داشت که به وسیله "ائتلاف ملی برای حرمت/شان و عفو عمومی" فراخوان داده شد. البته این ائتلاف از سال ۱۹۹۹ در اول ماه مه چند تظاهرات دیگر را به راه می اندازد. (یادداشت کارگری، 2000) هنگامیکه اتحادیه ها در سال ۲۰۰۳ نقش کلیدی در کاروان "کارگران مهاجر، سوار آزادی" بازی کردند کاروانی که کشور را درنوردید و با تظاهرات بزرگی در نیویورک خاتمه یافت، روابط متقابل میان گروههای مهاجر و اتحادیه ها به سطح جدیدی رسید. این واقعه چشمگیر به ایجاد اعتماد به نفس در رابطه با بردن مساله حق پناهندگان به میان عموم جامعه کمک کرد.

اقدامات اول ماه مه همچنین موقعیت استراتژیک کارگران مهاجر را در برخی صنایع آشکار ساخت، این مساله اغلب مورد غفلت و بی توجهی قرار گرفته بود. در اول ماه مه، رانندگان کامیون مکزیک و آمریکای مرکزی در اسکله بزرگترین بندر ملی، لس آنجلس/لونگ بیچ، ۹۰ درصد از فعالیتهای بندر را متوقف کردند. از صنعت تهیه گوشت و ماکیان گزارش شده که ۵۰ درصد کارکنانش در سراسر کشور در این روز کار را متوقف کردند. انجمن پرستاری آمریکا و حومه، گفته که ۹۰ درصد از کارکنانش اعتصاب کردند، همین طور ۹۰ درصد کارگران انبارهای عرضه کننده مواد باغبانی دست از کار کشیدند. بخش ساختمان سازی در بسیاری از مناطق، از آنجائیکه کارگران مهاجر مثل کارگران نصب کننده قطعات دیوار داخلی کالیفرنیا، برای یک روز دست از کار کشیدند، به شدت ضربه خورد (یادداشتها کارگری، 2006 سی، ص 13). بنا براین اول ماه مه ۲۰۰۶ نه تنها تمایل و توانائی کارگران مهاجر برای اقدام خود به خودی را با وجود خطر بالای از دست دادن شغل یا حتی برگرداندن آنها نشان داد، بلکه همچنین قدرت نیروی کار مهاجر در بخشهای مهم اقتصاد را نمایان ساخت. این واقعیت مساله کلیدی در درک رشد هم اتحادیه و هم تشکلهای اجتماعی هر دو در میان مهاجرین است.

اول ماه مه ۲۰۰۶ تلاش متحدانه سراسری ای بود در مخالفت با قانون حمایت شونده از طرف جمهوری خواهان، یعنی "قانون حفاظت از مرزها، ضد تروریسم و کنترل مهاجرت غیرقانونی" که حقوق مهاجرین را حتی شدیدتر از آنچه که قبلاً بود محدود میکرد. حرکت "یک روز بدون مهاجران" موفق به شکست آن لایحه شد. در سال ۲۰۰۷ این بار با کنگره ای تحت کنترل دموکراتها، پیشنهاد قانونی نرمتری در دستور کار

بود - هر چند هیچ کدام عفو عمومی را تضمین نمی‌کرد. لذا جنبش اگر حمایتی هم وجود داشت را از بین برد (لوپز، 007، ص 9-4). در سال ۲۰۰۷ که نه فشار متحدانه برای اقدام سراسری، نه ائتلاف و حمایت کلیسا وجود داشت. اقدامات تا حد زیادی بسته به ائتلافهای منفرد یا گروههای محلی بودند. اول ماه مه ۲۰۰۷ هر چند در مقایسه با سابقه حرکت ۲۰۰۶ کوچک جلوه میکرد، اما بار دیگر در یک روز کاری تظاهرات قابل توجهی را به خود دید. بزرگترین آن در شیکاگو بود که لااقل صدوپنجاه هزار نفر تظاهرات کردند. در لس آنجلس حدود سی و پنج هزار نفر در دو مراسم جداگانه راهپیمائی کردند، در حالیکه در شهر نیویورک حدود بیست هزار نفر در میدان یونیون تجمع کردند. بر اساس ارزیابی "شبکه همبستگی مهاجرین"، مستقر در لس آنجلس در بیش از یکصد شهر و شهرستان در سراسر کشور بالای نیم میلیون نفر تظاهرات کردند. (شبکه همبستگی با مهاجرین، 2007)

کارگران در ادامه موج جدید مهاجرت پس از ۱۹۷۰ بعضی اوقات اعتصاب و سازماندهی کرده بودند و اغلب به تنهایی. در ۱۹۸۶ اعتصاب موفق توسط زنان مکزیک در واتسونویل کانینگ وجود داشت که بسیار معروف شده بود و توجه عموم را به خود جلب کرد. کامیون رانان از ابتکارات اصلی خود، یعنی گرفتن حمایت از مقامات محلی و دیگر اتحادیه ها برای پیروزی استفاده کردند (مودی، 1988، ص 330-37). اما اعتصابات و تلاشها برای خود-سازماندهی در سالهای ۱۹۹۰ و ۲۰۰۰ متفاوت بود و به نوعی مهم. بیشتر آن در صناعی اتفاق افتاد که قبلاً اتحادیه داشتند اما تعدیل ساختاری عظیم و سازماندهی مجدد گسترده کار را در سالهای ۱۹۸۰ از سر گذرانده بودند. اتحادیه ها کاهش یافته بودند یا از هم پاشیده شده بودند و همراه با آن دستمزدها و شرایط کاری به همین ترتیب سقوط کرده بود. مهم است که توجه داشته باشیم همان گونه که میلکمن و ونگ در مطالعاتشان در چهار موقعیت مشابه در جنوب کالیفرنیا (2001، 104-107) نشان دادند، بیرون رفتن کارگران متولد در محل در نتیجه بدتر شدن و انحطاط شرایط بوجود آمده، نه در نتیجه ورود کارگران مهاجر. مهاجرین بیشتر مشاغل خالی و مشاغل تازه شناخته شده را پُر کردند. نیروی جدید کار از پیش از ۱۹۹۰ اغلب به ابتکار خود شروع به متشکل شدن خود در اتحادیه ها کرد.

اگر اعتصاب با دقت برنامه ریزی شده و به طور مرکزی هدایت شده عدالت برای سرایداران در سال ۱۹۹۰ یکی از اولین اعتصابات توسط کارگران مهاجر غیرکشاورزی بود، که توجه عموم را به خود جلب کرد؛

اعتصاب سال ۱۹۹۲ به وسیله حدود چهارهزار نفر از کارگران نصب کننده قطعات داخلی دیوارها در جنوب کالیفرنیا به نکته جدیدی اشاره دارد. اعتصاب با ابتکار خود کارگران مهاجر شروع شد و نگه داشته شد. در حالیکه کارگران نجار از آنها حمایت میکردند و سرانجام به آن اتحادیه پیوستند، کارگران مهاجر ساختمانی اعتصاب را با شرایط خود، سازماندهی و هدایت کردند، و صنعت ساخت و ساز مسکونی را در بیشتر نقاط جنوب کالیفرنیا برای پنج ماه تعطیل کردند. این بخشی از صنعت ساخت و ساز مسکونی بود که مانند سایر نقاط کشور، بدون اتحادیه بود. تشکل اعتصاب ابتدا توسط مهاجرانی بوجود آمد که از شهر آل مک گنوئی، مکزیک آمده بودند و چند صد نفر از آنان در این صنعت کار میکردند. این الگو در به پیش راندن اعتصابهای بیشماری تکرار میشود (میلکمن و ونگ، ۲۰۰۰، ص ۱۸۸-۱۶۹).

متحد شدن و بهم پیوستن کارگرانی که از یک محل آمده اند در تجمعی جدید و کاری مشابه رابطه دو باره و پیوندی را برقرار کرد که برای بسیاری از کارگران متولد خارج گسسته بود. از آنجا که در طی سالها، محل کار و محل زندگی در ایالات متحده از هم جدا شده است، استن ویر (در دلگادو ص ۲۲۹-۲۲۸، ۲۰۰۰ نقل شده) اشاره میکند که "تشکلهای غیر رسمی در روند کار دیگر کمکهای مکمل از سازمانهای غیررسمی محله ندارند. فقط بعنوان مثال اقلیت های قومی و رادیکال در مراکز اصلی شهری که اشتغال بیشتری در صنعت را کسب می کنند، این مزیت را دارند که کمک اضافی ارائه کنند. پیوند منشا مشترک، محله یا جماعت/کامیونتی مشترک و نیز کار منبع به وجود آورنده توانائی برای سازمانهای مهاجر در بسیاری از موارد است. در کمپین سرایداران در سال ۱۹۹۰ این مساله نقش ایفا کرد (میلکمن و ونگ، ۲۰۰۱، ص ۱۱۱). این نکته همچنین به توضیح بسیاری از خودسازماندهی هائی که در میان کارگران مهاجر صورت گرفته، کمک میکند. ارزیابی از تلاشهای کارگران مهاجر برای سازماندهی اتحادیه ها فراتر از حوزه این بررسی است. اما برای دریافتن به پتانسیل و پویائی بخش های کلیدی نیروی کار، نگاهی به چند نمونه می اندازیم.

کامیون رانان اسکله نیز همانند بخش خدمات ساختمانی و ساخت و ساز در جنوب کالیفرنیا، بازسازی عظیمی را از سر گذراندند در سال ۱۹۸۰ صاحبان متصدی مستقل جایگزین کارگران کامیون ران شدند و شرایط کاری نزول کرد. یکبار دیگر مهاجرین لاتینی جای خالی را پُر کردند. کامیون رانان تنها از طریق تشکیلات غیر رسمی در سال ۱۹۸۸ و بار دیگر در ۱۹۹۳ اعتصاب کردند. گرچه تشکیلات مجدد بعدی

عمدتاً با ابتکار خود کارگران ایجاد شد، اما اتحادیه کارگران - مخابرات آمریکا لوکال ۹۴۰۰ - پیشنهاد کمک داد. از آنجائی که صاحبان متصدی و پیمان کاران مستقل، کامیون داران طبق قانون، حق اتحادیه و اعتصاب نداشتند. با این وجود آنها استراتژی پیچیده ای را برنامه ریزی کردند که شامل درست کردن یک "کارفرما" میشد و در نتیجه در سال ۱۹۹۶ اعتصابی صورت گرفت. بر خلاف اعتصاب کارگران نصب کننده قطعات دیوار داخلی، تلاش های رانندگان کامیون شکست خورد، که بیشتر بدلیل تلاشهای زیاد پیمان کاران کامیون و موانع وسیع قانونی بود، هر چند این حرکت پتانسیل خود سازماندهی کارگران را بار دیگر نشان داد (میلکمن و ونگ، 2001، ص 122-126). با این وجود مبارزه رانندگان کامیون اسکله در سالهای ۱۹۹۰ پایان نیافت. آنان دوباره در سالهای ۲۰۰۴ و ۲۰۰۵ بدلیل اذیت و آزار دولت و قیمت سوخت اعتصاب میکنند. سپس در اول ماه مه ۲۰۰۶ یعنی در حرکت "یک روز بدون مهاجرین" همراه با میلیونها کارگر مهاجر، بار دیگر دوباره بندرساحل لس آنجلس/لونغ را بستند (یادداشت های کارگری، 2006 ص 1، ص 6).

این تغییر و تبدیل از کارگر سابقاً دارای اتحادیه به مالک یا راننده ای که تجهیزانش را خود کرایه میکرد در سایر حوزه های حمل و نقل نیز رایج بود. در سراسر نیویورک، هم سرویسهای "تاکسی"، و هم "اتوموبیلهای سیاه" یا سرویس لیموزین مشمول بازسازی شده بودند، لذا استخدام راننده برای اتوموبیل ها متوقف شد و جایش را به پیمان کاران مستقلی داد که بایستی اتوموبیل هایشان را کرایه میکردند. در هر دو مورد، رانندگان مهاجری که این موقعیت های قراردادی جدید را پُر کردند، خودشان را برای ایستادگی در برابر دستمزد نزدیک به فقر و ساعات طولانی سازماندهی کردند که باید برای بدست آوردن آن کار می کردند. از سالهای ۱۹۷۰ طرح طبقه بندی مجدد رانندگان تاکسی های زرد و تبدیل رانندگانی که در استخدام برای کار بر روی اتوموبیلهای گاراژ بودند و حق العمل میگرفتند به پیمان کار مستقل شروع شد. آخرین اتحادیه محلی اس. ای. آی. یو ۳۰۳۶ (اتحادیه بین المللی کارکنان خدمات) بود که تقریباً در سالهای ۱۹۸۰ از بین رفت و نیروی کار سنتی یا جابه جا شد یا بازنشسته گردید. تا قبل از سالهای ۱۹۹۰، نسبت رانندگان واقعی تاکسی که صاحب مدالیون خود (یعنی جواز کاری که برای هر تاکسی لازم است) بودند، از ۳۰ درصد به ۱۵ درصد رسید. اکثریتی که استخدام شده بودند، درصدی از "کنتر" را میگرفتند، اما اکنون باید تاکسی را کرایه میکردند و خودشان پول سوخت را میدادند. آنها بطور واقعی چند ساعت اول

کارشان را برای پرداخت اجاره ماشین کار میکردند. در سالهای ۱۹۹۰ رانندگان آسیائی یک گروه لابی تدافعی معروف به "ائتلاف رانندگان کرایه کننده اتوموبیل" را برای دفاع بوجود آوردند. اکثریت رانندگان اکنون آسیای جنوبی، بیشتر هندی یا پاکستانی بودند و ائتلاف بر پایه قومی شکل گرفت. هر چند در سال ۱۹۹۸، گروه خودش را به "اتحاد کارگران تاکسی نیویورک" تبدیل کرد که درش بر روی همه تاکسی های زرد نیز باز بود. در ماه مه ۱۹۹۸ شکل جدید هنگامی که کل بیست و چهار هزار راننده تاکسی عملاً به مدت ۲۴ ساعت اعتصاب کردند، شهر را متعجب و غافلگیر کردند. با وجود اینکه به عنوان کارگر قراردادی مستقل، حق قرارداد دسته جمعی را ندارند، از آن به بعد همچون یک اتحادیه با حدود پنج هزار عضو واقعی عمل میکنند. در سال ۲۰۰۴ هنگامی که برای افزایش کرایه در شهر با اختصاص ۷۰ درصد از آن به رانندگان مذاکره میکردند، پیروزی بزرگی را بدست آوردند (ماتیو، ۲۰۰۵ ص 68-69، و 197-196). "اتحاد کارگران تاکسی" بار دیگر در سپتامبر ۲۰۰۷ برای دو روز اعتصاب کردند، این بار در اعتراض به التزام به نصب سیستم جی. پی. اس (هدایتگر) گران قیمت و نیز سیستم خواننده کارد اعتباری گران با هزینه خود بود (یادداشت‌های کارگری، ۲۰۰۷، ص 1 و ص 13). همین داستان را هم می توان برای رانندگان تاکسی های سیاه شهر گفت. این کارگران بیشتر آسیائی هستند در سالهای ۱۹۹۵ شروع به سازماندهی خود کردند. آنها بالاخره به "انجمن بین المللی تعمیرکاران ماشین" پیوستند، و پرونده "هیات ملی روابط کار" را در سال ۱۹۹۷ بردند و به عنوان کارکنان راننده استخدام شدند. در ۱۹۹۹، تشکل خانۀ راننده ۳۴۰ "با هزار عضو که حق عضویت پرداخت میکنند، اولین قراردادش را با یکی از کمپانی های بزرگ برنده شد. تلاش برای سازماندهی کردن کل این حرفه ادامه دارد (نس، ۲۰۰۵، ص 150-161).

متأسفانه اتحادیه ها همیشه مواظب و مراقب آنهایی نیستند که خود را سازماندهی میکنند. هنگامیکه کارگران شاغل در فروشگاههای سبزی و میوه فروشی که بیشتر مکزیکي بودند در سالهای ۱۹۹۰ شروع به سازماندهی خود کردند، در ابتدا از سوی اتحادیه یونایت ۱۶۹ محلی یاری شدند. اما در عین حال در منازعه قضائی و اداری، آنها را به اتحادیه "محلی کارگران متحد مواد غذائی و بازرگانی (یو. اف. سی دلبلیو) ۱۵۰۰" پاس دادند. که به دلایل بسیاری، این اتحادیه دقت ویژه به نیازهای این کارگران مهاجر نکرد. موردی مشابه در رابطه با اتحادیه "محلی کارگران متحد مواد غذائی و بازرگانی ۳۳۸ (یو. اف. سی. دلبلیو

(در نیویورک در رابطه با کارگران آفریقائی تحویل دهنده (دلیوری) فروشگاههای مواد غذایی اتفاق افتاد، که کارگران پیش از اینکه به اتحادیه نزدیک شوند، خود را سازماندهی کرده بودند (نس، 2005، ص 129-58).

پدیده منشأ مشترک، تجمع و کار مشترک فقط در شهرهای بزرگ اتفاق نمی افتد. نمونه کارگران گواتمالائی در مورد کارخانه مزارع ماکیان در مورگانتون، شمال کارولینا نشان داد که این پدیده در مناطق نیمه روستائی نیز همچنان میتواند کارکرد داشته باشد. این کارگران مایاها از یک منطقه در گواتمالا هستند، که شامل اکثریت پانصد کارگر شاغل در کارخانه است. مانند بیشتر کارخانه های ماکیان، شرایط بیرحمانه و نا امن بود، و در سال ۱۹۹۳ این کارگران اعتصاب کوتاهی را سازماندهی کردند. این سبب شد هر دو هم یو. اف. سی. دلبیو اتحادیه متحد کارگران مواد غذایی و بازرگانی و هم (ال. آی. یو. ان. آ) اتحادیه بین المللی کارگران به این کارخانه بعنوان هدف/آماج احتمالی سازماندهی نگاه کنند. هر چند این مساله در حوزه قدرت یو. اف. سی. دلبیو اتحادیه متحد کارگران مواد غذایی و بازرگانی بود، اما این اتحادیه بین المللی کارگران بود که اعتماد کارگران مایاها را بدست آورد، و در سال ۱۹۹۵ به آنها در اعتصاب دیگر و شناسائی اتحادیه ها کمک کرد. هر چند یکی از نمایندگان اتحادیه اینگونه مطرح میکند که، " ما هیچ کس را سازماندهی نکردیم ". قبل از اینکه اتحادیه به آنجا برود، اتحادیه آنجا بود ". متأسفانه نه کارگران و نه اتحادیه بین المللی کارگران قادر به تحمیل اولین قرارداد با کمپانی نشدند. (ال. آی. یو. ان. آ) اتحادیه بین المللی کارگران، به جای اینکه براحتهی کارگران را بحال خود رها کنند، برای تامین مالی ایجاد یک مرکز کارگری که بوسیله " کمیته ملی ادیان برای عدالت کارگری " اداره می شد، موافقت کرد. این مرکز کارگری مشکلات بسیاری از کارگران آمریکای مرکزی در این بخش از کارولینای شمالی را مورد توجه قرار می داد (فیسک، 2003، ص 6-2، و 78-54 و ص 97-96).

این یک واقعیتی است که غالباً امکان سازماندهی اتحادیه در میان مهاجرین با منشأ قومی یا ملی مشترک، محله یا جماعت (کومیونتی) مشترک، و کار مشابه فراهم شده و تسهیل میگردد، تعجبی ندارد که بیشتر سازماندهی ها که در میان مهاجرین صورت میگیرد بر پایه تشکلهای استوار بر جماعت (کومیونتی) است. این شامل طیف گسترده ای از تشکلهای که ارائه کننده خدمات، دفاعی، حقوق قانونی، آموزش و پرورش، بسیج سیاسی، و رشد سیاسی می شود. آنچه اینجا مورد علاقه ماست سازمانهائی هستند که بطور واقعی

کارگران مهاجر را با تمرکز بر روی کارشان سازماندهی میکنند مانند (ال. آی. یو. ان. آ) اتحادیه بین المللی کارگران که مراکز کارگری در شمال کارولینا را حمایت میکند.

مراکز کارگری

مراکز کارگری از جمله تشکلهای اجتماعی متفاوت است، این مراکز، هر چند نه انحصاراً اما اساساً بر موضوعات محل کار متمرکز است. اکثر مراکز کارگری به کارهایی از قبیل ترکیبی از ارائه خدمات، حمایت/ طرفداری، آموزش رهبری و سازماندهی مشغول هستند و گرایش آنها بر این است که بر روی مسائل مربوط به کار، پرداخت و عدم پرداخت دستمزد، سلامتی و ایمنی، وضعیت مهاجرت، حقوق مختلف متمرکز شوند. هر چند در این سازماندهی عملکرد و رشد رهبری است که به مراکز کارگری، پتانسیلی برای ایفای نقش مهم در رشد و توسعه اتحادیه گرائی و جنبش وسیع تر اجتماعی و سیاسی را میدهد. مراکز کارگری به عنوان سازمانهای مبتنی بر جماعت (کومیونتی) از لحاظ جغرافیائی محدود هستند. اغلب محللهای کار که کارگر استخدام کرده اند، یا در درون و یا نزدیک کومیونتی هستند. در بعضی موارد، مانند کارگران روزمزد، یا کارگران مزرعه، جایی که خود محل کار ممکن است که دور باشد، مرکز کارگری بر محل/مکان یعنی جایی که کارگر شغل را به دست می آورد، متمرکز است (گوشه های خیابان، پیمانکاران و آژانس ها). اهمیت مراکز کارگری را تقریباً در همه موارد باید در توجه به این رابطه کارگر- کارفرما یعنی واقعیت استثمار مشاهده کرد (فاین، 2006 ص 3-2 و 11-14). رشد پدیده مراکز کارگری ناشی از تغییرات بسیاری است که در خود کار در ۳۰ سال گذشته صورت گرفته، همچون قراردادهای فرعی، تولیدی های عرق ریزان (سوت شاپ)، گسترده شدن خدمات مواد غذایی و صنایع مهمان نوازی، جابجائی صنایع/ بدون سازماندهی آنها در اتحادیه، خرده فروشان بسیار بزرگ و کوچک، و رشد کار "بدون ثبت" در اقتصاد غیررسمی است. وجه مشترک تمامی این کارها، دستمزد پائین، مزایای ناچیز و کارگران رنگین پوست است. بخصوص کارگران رنگین پوست بطور روز افزونی لاتینی هستند.

در یک ارزیابی تا سال ۲۰۰۵، ۱۳۷ مرکز کارگری وجود داشت. ۱۲۲ عدد آنها بطور مشخص با کارگران مهاجر سرو کار داشتند. کارگرانی که در مراکز کارگری شرکت داشتند از نظر خاستگاه آنها حدود ۴۰ درصد از مکزیکی و آمریکای مرکزی، ۱۸ درصد دیگر از آمریکای جنوبی، ۱۵ درصد از شرق آسیا، ۱۵ درصد

کاراتیب، ۸ درصد از آفریقا، ۳ درصد از اروپا و یک درصد از بقیه آسیا بودند. مراکز کارگری از نقطه نظر محل استقرارشان در ایالات متحده، تجمع و تمرکز مهاجرین را انعکاس می‌دهند: ۴۱ مرکز کارگری در شمال شرق، ۳۶ عدد در سواحل غربی، در جنوب ۳۴ عدد؛ ۱۷ مرکز کارگری در شمال شرقی منطقه مرکزی؛ و بقیه در اطراف غرب پراکنده هستند. تقریباً ۸۰ درصد کارگران درگیر در مراکز کارگری، مهاجر هستند (فاین، ۲۰۰۶: ۲۱-۷). تعداد نسبتاً بالای مراکز کارگری در جنوب نشان دهنده توزیع جغرافیایی صنایع دو باره سازمان داده شده و واگذار شده به پیمانکاران فرعی، همچون فرآوری مواد غذایی و تولید قطعات خودرو است.

پیشرفت مراکز کارگری، هم ریتم و آهنگ بازسازی کار و هم مهاجرت را که در سه موج بوجود آمده، دنبال میکند. اولین دسته مراکز کارگری در اواخر سالهای ۱۹۷۰ و اوایل ۱۹۸۰ آغاز شد، ابتکار شروع آن به وسیله فعالین با تفکرات سیاسی و دارای ارتباطات چندی در رابطه با اتحادیه بودند. یکی از اولین مراکز، انجمن کارگران و کارکنان چینی (سی.اس. دلبیو. آ) در شهر نیویورک، در شهرک چینی ها بود. (سی.اس. دلبیو. آ) در سال ۱۹۷۸ با ترغیب اتحادیه محلی اچ.ای. آرای. آر.ای. ۶۹ برای سازماندهی رستورانهای چینی شهر متولد شد. کارگرانی که به اتحادیه محلی اچ.ای. آرای. آر.ای. ۶۹ پیوستند در تجربه خود از بی توجهی که از آنان دیدند، سرخورده شدند. آنها در سال ۱۹۷۹ در قصر نقره ای بزرگ شهرک چینی ها با حمایت از چیزی که بعداً انجمن کارگران و کارکنان چینی (سی.اس. دلبیو. آ) شد، به تشکیل اتحادیه خودشان رای دادند. بقیه بزودی این دادخواست را دنبال کردند. سازمان دهندگان سی.اس. دلبیو. آ، اتحادیه های مستقل را به جماعت (کومیونتی) خود پیوند زدند و همچنین کمک به کارگرانی که در اتحادیه ها نبودند را ادامه دادند و به سایر مسائل محلات، همچون مساله مسکن نیز می پراختند. یکی از سازماندهندگان دیدگاه هایشان را از سازماندهی این گونه توضیح میدهد که "با سازماندهی، ما فقط منظورمان پیوستن به اتحادیه نیست. ما اتحادیه را همچون وسیله ای برای سازماندهی چیز بزرگتری می بینیم... ما جایی که کار و زندگی میکنیم را سازماندهی میکنیم" (تیت، ۲۰۰۵، ص ۱۶۹-۱۶۵، ص ۱۷۳-۱۷۴).

در همین دوره نیز دو مرکز کارگری دیگر نیز تشکیل شد: تشکل لا موجر او بررا (کارگر زن) در ال پاسو در تگزاس که از اعتصاب کارگران پوشاک در کارخانه پوشاک فاره، سر برآورد. پس از اینکه کارخانه های

بزرگ پوشاک مانند فراه بسته شده یا به اطراف مرز منتقل شدند، اتحادیه ها محل را ترک نمودند؛ این تشکل در سال ۱۹۸۱ بوجود آمد، که تمرکز آن بر کارگران زن در تولیدی های کوچک پوشاک، در مرز بود. همه این زنان کارگر، مهاجر نیستند. بسیاری از آنان در ریوو راند براوو شهروند هستند جایی که مرز مشترک را تشکیل میدهد و خانواده هایشان برای دهه ها یا بیشتر در آن جا بوده اند. تشکل کارگران سیاه برای عدالت (بی. دبلیو. اف. آی) که مستقر در راکی مونت، شمال کارولینا است، از مبارزه بر علیه تبعیض در فروشگاههای زنجیره ای. ک. ام. آ. آر. تی سر بر آورد. این یک تشکل آمریکائیهایی آفریقایی تبار در منطقه صنعتی شده " کمربند سیاه " جنوب است. که کارگران از بسیاری از کارخانه ها در راکی مونت و اطراف آنرا در تشکلی اجتماعی گسترده گرد هم آورد. در نتیجه این کار، تشکل کارگران سیاه برای عدالت (بی. دبلیو. اف. آی) پیشگام اکثریت کارگران بدون اتحادیه برای ساختن تشکل اتحادیه ای در کارخانجات و محلهای کار بدون شناسائی اتحادیه و حقوق قراردادهای دسته جمعی بوده است. در سالهای ۱۹۹۰ آنها به اتحادیه متحده کارگران برق (یو. ای) پیوستند و یو. ای محلی ۱۵۰ را در دانشگاه شمال کارولینا تشکیل دادند و جدیداً با کمیته سازمانده کارگران مزرعه که با موفقیت کارگران لاتینی در شمال کارولینا را متشکل کرده است، تشکل اتحاد سیاه- لاتینی را بوجود آوردند. (تیت، ۲۰۰۵، ص ۱۸۸-۱۹۲؛ فاین، ۲۰۰۶، ص ۹). تشکل کارگران سیاه برای عدالت، سی. اس. دبلیو. آ (انجمن کارگران و کارکنان چینی) و لا موجر اوبرا (کارگر زن) همچون الگوئی از تشکل کارگری مبتنی بر جماعت (کومیونتی) یا (تشکل اجتماعی کارگری) برای بیشتر آنانی که بعداً آمدند قرار گرفت. تشکل دیگری که به عنوان موج اول شروع به کار کرد، کمیته علیه خشونت بر ضد آسیائی ها (سی. آ. آ. وی) در شهر نیویورک بود که در سالهای ۱۹۸۰ بخصوص برای دفاع از زنان آسیائی تشکیل شد.

موج دوم از اواخر سالهای ۱۹۸۰ تا اواسط سالهای ۱۹۹۰ سر بر آورد. بسیاری از مراکز کارگری با موج مهاجرینی از آمریکای مرکزی بوجود آمدند که از جنگ، جوخه های مرگ، و ضد انقلاب که عمدتاً نتیجه سیاست خارجی ایالات متحده در منطقه بود، میگریختند، (فاین، ۲۰۰۶، ص ۱۰-۱۱). یکی از اولین مراکز کارگری موج دوم پروژه مبتنی بر محل کار در حومه لونگ آیلند (جزیره طولانی) نیویورک بود. این تشکل در سال ۱۹۹۲ پایه ریزی شد. پروژه مبتنی بر محل کار "از تشکل خدماتی مهاجرین آمریکای مرکزی به وجود آمده است". "پروژه محل کار" در میان کارگرانی سازمان یافت که در رستورانها، کارهای

ساختمانی، محوطه سازی و خانه سازی در حومه شهر مشغول کار بودند. بسیاری از این کارگران بدون مدرک بودند و براحتی به آنها کمتر از حداقل دستمزد پرداخت میشد. اغلب آنان به عنوان کارگران روزمزدی که در گوشه های خیابان جمع میشدند تا کارفرمای بالقوه آنها را انتخاب کند/بردارد، کار میکردند. پروژه با بعهده گرفتن پرونده های قانونی برای بدست آوردن دستمزدهای پرداخت نشده، یعنی مشکل عمومی مهاجرین، شروع شد، هر چند این کار، قدرت و امنیت کارگران را افزایش نمیداد؛ اما این پروژه را از سی.اس. دبلیو. آ (انجمن کارگران و کارکنان چینی) و لا موجر اوپرر فرا گرفته بود که چگونه به کارگران کمک بکند تا برای گرفتن مطالبات خود به طور دسته جمعی و متشکل شده، فشار وارد کنند، تا عمر هنریکوز السالوادری را استخدام کند. در این رابطه کارگران روزمزدی که در گوشه های خیابان مشخصی جمع میشوند؛ بویژه سازمانیافته و موفق به افزایش قابل ملاحظه ای در درآمدشان شدند (تیت، ص 178-181).

از دیگر مراکز کارگری موج دوم، تشکلی به اسم "ساختن راه با گام نهادن در آن" است که در محله بروکلین بوشویک یکی از فقیرترینها قرار دارد. با موج جدید مهاجرین در سالهای ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰، بوشویک عمدتاً منطقه لاتینی ها شد "ساختن راه با گام نهادن در آن" یک تشکل چند مضمونی است که علاوه بر مشکلات محل کار با مسائل مسکن، تحصیلات، رشد و توسعه جماعت (کومیونتی) و حتی مسائل مربوط به زنان و مردان همجنس گرا سروکار دارد. (ساختن راه با گام نهادن در آن 2005، ص 1-20). تمرکز برنامه بر سازماندهی در منطقه تاباجادورس ان آسیون است، که در آن تولیدی های محلی عرق ریزان پوشاک و نیز مناطقی که در آن فروشگاههای خرده فروشی قرار دارد که بیشترین مهاجرین را با دستمزد بطور وحشتناک پائینی استخدام میکنند. همانند سایر مراکز کارگری یکی از اصلی ترین فعالیتهایش برگرداندن دستمزدهای پرداخت نشده بود. در طی یکسال آنها، دویست هزار دلار دستمزد پرداخت نشده را پس گرفتند (جنکینز، 2002، ص 65-68). یکی از سازمان دهندگان، بنام دبورا اکست در رابطه با یکی از این فروشگاهها موسوم به "مینی ماکس" چنین توضیح میدهد:

"ما در پس گرفتن ۶۵۰۰۰ دلار دستمزد موفق شدیم. با این وجود مهم تر از آن اینست که زنان تغییر شرایط کارگران را در آنجا سازماندهی میکردند. ما قادر به پس گرفتن پرداختهای روزهای استعلاجی، نوعی

از پوشش قانونی (قانون مرخصی پزشکی خانواده- ک.ام)، و نیز حق آگهی و اعلان عمومی حقوق قانونی و حقوق محل کار شدیم (اسلاوتر، 2005، ص 263-262).

موج سوم مراکز کارگری پس از سال ۲۰۰۰ بوجود آمدند. براساس نوشته فاین (2006، ص 16) اینها بیشتر از گذشته با اتحادیه ها ارتباط داشتند. یک نمونه (آ.او. سی) "مرکز گشایش رستوران" است، که پس از ۱۱/۹ به وسیله کارگران ایجاد شد که در رستوران موسوم به "ویندوز آن د ورد" در مرکز تجارت جهانی کار میکردند، اچ. ای. آر. ای (اتحادیه کارکنان هتلها و رستورانها) شاخه محل ۱۰۰ که کارگران به آن تعلق داشتند، تحت فشار از طرف کارگران جا به جا شده، در سال ۲۰۰۰ از کارگران سابق خود خواست که به منظور کمک به خود (آ.او. سی) "مرکز گشایش رستوران" را راه اندازی کنند. هر چند که این نهاد خود بعدها به مثابه سازماندهنده وارد شد که آماده و مایل به کار در رستوران با کسانی شد که اتحادیه در گذشته به آنها نزدیک نشده بود. این مرکز کارگری، مانند سایر مراکز کارگری، به کارگران غیرمتشکل در اتحادیه برای پس گرفتن دستمزدها، اجرت روزهای تعطیل، تنفس برای نهار و دیگر بهبودها کمک کرد. (آ.او. سی) "مرکز گشایش رستوران" دارای هیئت مدیره خود است که اکثراً شامل کارگران مهاجر میشود، اما هنوز رابطه اش را با اچ. ای. آر. ای (اتحادیه کارکنان هتلها و رستورانها) شاخه محلی ۱۰۰، که بعنوان حامی مالی آر.او. سی عمل میکند، حفظ کرده است (جایارامن، 2004، فاین، 2006، ص 17). آر.او. سی با فعالیت به عنوان تعاونی صنایع غذایی، بخشاً خود را حفظ کرده است. اما در سال ۲۰۰۵ خود خدمات کامل رستورانها را به اسم "رنگین ها" برپا کرد. یکی دیگر از تشکل های موج سوم "اتحادیه کارگران خانگی" (دی. دبلیو. یو) در بروکلین در میان طیف وسیعی از گروههای مهاجر است. در سال ۲۰۰۳ "اتحادیه کارگران خانگی" (دی. دبلیو. یو) موفق به تصویب و گرفتن لایحه حقوق کارگران خانگی از شهرداری شهر نیویورک شد، که در آن از واسطه ها میخواست که مقررات و شرایط استخدام را روشن و مشخص کنند و کارفرمای حقیقی قرارداد توافق با آن شرایط را امضا کند (فاین، 2006، ص 174-175). ائتلاف کارگران ایموکولی (سی. آی. دبلیو) در سال ۱۹۹۵ پایه گذاری شد، از مراکز کارگری موج دوم است و از جهاتی قابل توجه است. سی. آی. دبلیو با اکثر مراکز کارگری از این زاویه تفاوت دارد که روستائی است و بیشتر بر کارگران مزرعه متکی است، هر چند که به کارگران از سایر صنایع با دستمزد پائین نیز تعلق دارد. اعضای سی. آی. دبلیو (ائتلاف کارگران ایموکولی) اغلب از مکزیک، گواتمالا و هائیتی می آیند.

ایموکولی شهری فقیر در قلب مزارع گوجه فرنگی فلوریدا است. سی. آی. دبلیو وابسته به اتحادیه کارگران متحد مزارع (یو. اف. دبلیو) یا کمیته سازماندهی کارگران مزارع (اف. ال. او. سی) نیست و به خود به عنوان اتحادیه نمی‌نگرد، هر چند برای بدست آوردن دستاوردهای عمده، از تاکتیکی مشابه اتحادیه‌ها: یعنی تحریم استفاده کرده است. سی. آی. دبلیو برای وادار کردن شرکت تاکوبل - خریدار بیشتر گوجه فرنگی‌هایی که آنها می‌چینند - به افزایش پرداخت یک پنی بیشتر برای هر پوند که برای دو برابر کردن دستمزدشان کافی است - از تاکتیکهای دیگری نیز استفاده کرده است. آنها سه اعتصاب را در منطقه سازماندهی کرده اند، در سال ۲۰۰۳ برای رسیدن به اهدافشان، سی روز اعتصاب غذا کردند و ۲۴۰ مایل در سراسر فلوریدا راهپیمایی کردند. برخی از این حرکات افزایش دستمزد را بدنبال داشت. هر چند تاکتیک تحریم بود که بالاخره سبب پیروزی قابل توجه چند صد کارگر کشاورزی بر شرکت تاکوبل و شرکایش، یعنی یام براندز شرکت عظیم غذاهای یخ زده، که همچنین مالک مرغ سوخاری کنتاکی، پیتزا هات، لونگ جان سیلورز، و آ. و. دبلیو است، شد. همانند یو. اف. دبلیو (اتحادیه کارگران متحد مزارع) و اف. ال. او. سی (کمیته سازماندهی کارگران مزارع) که آنها نیز قبلاً تحریم کرده بودند، تحریم تاکوبل توسط سی. آی. دبلیو نیز حمایت گسترده ای را از سوی دیگر سازمانها از جمله: تشکل شغل با عدالت، گروههای کلیسا، و اتحادیه‌ها بدست آورد. کمپین دانشجویان موسوم به "بل را بیرون کنید" باعث شد که قبل از پیروزی کارگران، تاکوبل از ۲۲ دانشکده بیرون رانده شود.

نکنه کلیدی در سراسری کردن کمپین‌ها در این بود که شبکه دیگری از مراکز کارگری در اطراف کشور بود که هماهنگی سراسری را که آن مراکز کارگری ایجاد کرده بودند منعکس میکرد. تاثیر آنچه سی. آی. دبلیو با این پیروزی بدست آورد فقط بر روی اعضایش نبود، بلکه فراتر از آن رفت. شرکت یام موافقت کرد که طبق توافق "پاس ترو" درصدی از قیمت گوجه فرنگیها را که به کارگران تعلق میگیرد به دو برابر آنچه که بود افزایش دهد. تاکوبل موافقت کرد که فقط از تولیدکنندگانی که موافق "پاس-ترو" هستند، گوجه فرنگی بخرد. این دستوالعمل قابل اجرائی برای تامین کنندگان صنایع غذاهای سریع بود، و سی. آی. دبلیو (اتحاد کارگران ایموکولی) نهاد ناظر بر اجرائی آن شد که این نیز یک بخش از توافقنامه بود. با پیروزی کارگران ایموکولی، مراکز کارگری، ادعای اینکه بخشی از جنبش کارگری آمریکاست را

محدودیت ها و امکانات؟

مراکز کارگری متمم / ضمیمه ای مهم برای تشکلهای کارگری در ایالات متحده هستند، اما مانند اتحادیه ها محدودیتها و مشکلات ساختاری خود را دارند. اول آنکه کوچک هستند. بیشتر این مراکز، ۵۰۰ یا تعداد کمتری عضو دارند. شاید مهمتر قدرت اجتماعی آنان است. استیو جنکینز که یکی از سازماندهندگان مرکز کارگری "ساختن راه"، استدلال میکند که: "بی عدالتی مشترک لزوماً به معنی قدرت مشترک نیست". بر خلاف اتحادیه ها، مراکز نمیتوانند تولید را متوقف کنند. آنها میتوانند قدرت اجتماعی را از طریق به عاریه گرفتن اعتصاب یا نافرمانی مدنی اعمال کنند، اما قدرت آنها در رابطه با مسائل محل کار، که تمرکز و هدف اصلی آنان می باشد، به درخواست/طلب از واحدهای دولتی و یا نمایندگان و یا دیگر موسسات برگزیدگان محدود میشود. چه بصورت گروه فشار در سالن شهرداریها برای بهبود مسکن، یا رفتن به دادگاه یا نمایندگیهای دولتی برای پس گرفتن حقوق، برای کارگران زمینه و گرایش قوی ای به وابسته شدن به متخصصین - سازماندهندگان، وکلا و غیره وجود دارد. بیشتر این مراکز همچنین وابسته به کمکهای مالی به بنیادها هستند، که به معنی وابسته بودن به اولویتهای رسمی بنیاد و هیئت امناء/مدیره و به آنهایی است که در نوشتن طرح پیشنهادی برای کمک مالی خبره هستند. بنابراین تشکلهایی با مبنای اجتماعی گرایش و زمینه وابستگی به کارمندی را دارند که هرچند نه منحصرأ اما اغلب از خانواده های طبقه متوسط آمده اند (جنکینز، 2002، ص 82-77). بی جو ماتئو از تشکل "ائتلاف کارگران تاکسی" حتی انتقاد تندتری از این سازمانها دارد. او می نویسد، جماعات (کومیونتی)، در دنیای تشکلهای اجتماعی، تجمعات سازمانیافته ای نیستند، اما در بدترین حالت نشانی از جاودانی/همیشگی کردن طبقه فعالان، و دربهترین حالت بحرکت در آوردن گاه و بیگاه مردم را دارند (ماتئو، 2005، ص 196-193). در حالیکه به نظر میرسد که این دیدی منفی است، اما در شرایطی که اغلب مهارت/کاردانی جایگزین قدرت اجتماعی توده میشود، اشاره به این مشکل دارد که چه کسی بطور واقعی این تشکلهای را هدایت میکند.

اگر تنها با دیدی که مراکز کارگری و گروههای با مبنای اجتماعی مشابه امروزه خود را تعریف کرده و عمل میکنند، بنگریم، این محدودیتها واقعی هستند. اما ممکن است که در دوره های با برآمدهای اجتماعی همگانی تر، آنان بتوانند منبع گسترده تری برای بسیج و بحرکت درآوردن بدل شوند. همانگونه که اغلب

برآمدها/تحولات نشان میدهد، قدرت بی چیزان در سه محدوده قرار دارد: مختل کردن کار مطابق معمول؛ سازماندهی در و/یا ائتلاف و اتحاد با دیگر تشکلهای طبقه کارگر، بویژه اتحادیه ها؛ و در اقدام سیاسی با توجه به تعداد آنها. اولین نکته که بوسیله پایون کلوارڈ (1979) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت این است که توسل سنتی فقرا یا به شکل اختلال شهری، نافرمانی مدنی هماهنگ، به عاریه گرفتن اعتصاب، حتی اعتصاب توده ای/جمعی در محل کار است. سالهای ۱۹۶۰ مثالهای زیادی در این رابطه دارد. دوم، اتحادیه گرایی و یا اتحاد با اتحادیه ها، چندان آسان نیست. تاریخچه تنش بین بسیاری از مراکز کارگری و اتحادیه هائی که تلاش میکردند که با آنها کار کنند وجود دارد. همانگونه که یکی از رهبران آر. او. سی در رابطه با اچ. ای. آی (اتحادیه کارکنان هتلها و رستورانها) میگوید، " به نظر میرسد که اتحادیه در راحت برخورد کردن مشکل دارد (جایارامن، 2004). اتحادیه ها بعنوان موسساتی بوروکراتیک، تمایلی ندارند که قدرت را با گروههای مخاطره آمیز یا ناآشنا شریک شوند. اما با همه اینها هنوز مثالهای بسیاری از تشریک مساعی و همکاری بین آنها وجود دارد. و در حالیکه بسیاری از اتحادیه ها ترجیح میدهند که به کارگران با دستمزد پائین بی توجه باشند، بسیاری از دستاوردهای اخیر در واقع در میان کارگران بدون داشتن محل کاری مرکزی و با دستمزد پائین بوده است، مثل کارگران مراقبتهای سلامتی در منازل، در نیویورک و کالیفرنیا. و بار دیگر همانگونه که تغییرات در عملکرد اتحادیه و چشم اندازهای آن دارای اهمیت است، زمینه واقعی نیز بسیار مهم است و دوره های با برآمد و قیام و مقاومت بیشتر، امکانات بیشتری را نیز عرضه میکند، جنکینز ۲۰۰۲ (ص 72)، با وجود انتقاد اشاره نیز میکند که:

مراکز کارگری آبادی هائی در کویر هستند که حمایت و خدماتی سودمند برای کارگرانی تهیه میکند که با شرایط غیرانسانی کار مواجهه هستند و منابع قابل دسترس کمی برخوردارند. بسیاری از این مراکز در رشد و توسعه پیوند میان اتحادیه های پیشرفته و تشکلهای اجتماعی نقش مرکزی بازی میکنند، این تلاشها پتانسیل آنها دارد که هر دو عرصه سازماندهی را تقویت کنند و این احتمال وجود دارد استراتژی جدیدی را برای سازماندهی کارگران باز کند که با گسترش/وسیع کردن مبارزات محل کار و با درگیر کردن جماعات (کومیونتی) طبقه کارگر، مدلهای سنتی سازماندهی اتحادیه ای را بهبود بخشند.

یک مثال خوب در این رابطه، کمپین موفق برای سازماندهی چهارکارخانه بزرگ بسته بندی گوشت در اوماها، نبراسکا بود. صنعت بسته بندی گوشت بشدت بازسازی شده بود، اتحادیه ها درهم شکسته، کارخانه

بوسیله مهاجرین جدید از مکزیک و آمریکای مرکزی پُر شد. این تشکل موسوم به "اوماها با هم یک تجمع" (او. تی. او. سی) یک تشکل اجتماعی مبتنی بر ایمان/مذهبی بود که ابتدا به گرفتاری و مشکلات کارگران بسته بندی گوشت توجه کرد. آنها در سال ۱۹۹۰ تظاهرات توده ای با شرکت ۱۲۰۰ نفر در اعتراض به این شرایط برگزار کردند. او. تی. او. سی (اوماها با هم یک تجمع) بعنوان یک مرکز کارگری، میتواندست خبر و اعتراض را پخش کرده و گسترش دهد، اما به خودی خود فاقد قدرت برای تغییر چیزها بود. بالاخره این نهاد تصمیم گرفت که اتحادیه لازم است و برنامه ای مشترک (با اتحادیه) برای سازماندهی ۴۰۰۰ کارگر در ماه ژوئن اعلام شد. با توجه به اینکه او. تی. او. سی (اوماها با هم یک تجمع) علاوه بر جذب نیروی تازه از کارگران، جماعت را بسیج میکرد، کمپین موفق شد. این پیشرفت بزرگی برای یو. اف. سی. دبلیو (اتحادیه واحد کارگران مواد غذایی و تجاری) بود و نمودی از اینکه این نوع اتحادها میتواند ثمر داشته باشند. هر چند که در قراردادی که بوسیله اتحادیه مورد مذاکره قرار گرفت، بسیاری از اصلی ترین خواسته های قبلی کارگران یا مساله وضعیت اقامت مورد بی توجهی قرار گرفت (اسلاور، 2005، ص 252-254؛ 2006، ص 120-125). شاید این مساله انعکاس دهنده شکاف میان فرهنگ اغلب اتحادیه ها و بسیاری از مراکز کارگری باشد، که نیاز به رسیدگی و بررسی دارد. بویژه مقامات و اعضای اتحادیه لازم است که مراکز کارگری را بعنوان بخشی از یک جنبش یکسان، اما با عملکرد منحصر به فرد بدانند.

شاید رهبران یو. اف. سی. دبلیو (اتحادیه واحد کارگران مواد غذایی و تجاری) از این مساله درسی گرفته بودند. چرا که در سال ۲۰۰۳ آنها یک مرکز کارگری در شمال کارولینا بعنوان بخشی از تلاشهای دراز مدت برای سازماندهی ۵۵۰۰ کارگر "کارخانه اسمیت فیلد پردازش گراز" در تار هیل، شمال کارولینا ایجاد کردند. حدود ۶۰ درصد نیروی کار این کارخانه مهاجرین لاتینی هستند و یو. اف. سی. دبلیو تعهد دراز مدت کرده است. با همکاری با رهبران و فعالین در جماعت (کومیونتی)، در اول ماه مه ۲۰۰۶ (یک روز بدون مهاجرین)، اتحادیه فراخوان تجمع داد و ۵۰۰۰ نفر از بسیاری از این کارخانه ها و جماعت (کومیونتی) شرکت کردند. بیشتر این کارخانه ها مجبور شدند تولید را برای یک روز بخوابانند. در ماه ژوئن تجمع دیگری در هفت شهر در کشور برگزار گردید. این جا آن حرکت و جایی است که اتحادیه، مرکز

کارگری، دیگر گروههای اجتماعی و برآمد ملی کارگران مهاجر دور هم جمع میشوند (یادداشت‌های کارگری، 2007 ب، ص 10-11).

در آگوست ۲۰۰۶ هنگامیکه ای. اف. ال. سی. آی. او (فدراسیون کار آمریکا - کنگره سازمانهای صنعتی) با "شبکه سازماندهی روز ملی کارگر" - شبکه ای سراسری از تشکلهای اجتماعی کارگران روز کار/روزمزد- به توافق رسیدند، قدم قابل توجهی برای وحدت بیشتر اتحادیه ها و مراکز کارگری برداشت، این مساله به مراکز کارگری اجازه میداد که به شوراهای ایالتی و محلی کارگری مرتبط شوند. این حرکات سایر تلاشهای محلی را در همکاری میان اتحادیه ها و مراکز کارگری، همچون بین "اتحاد کارگران مهاجر کره ای" و "اتحادیه محلی ۴۱۹ فلزکاران ساختمان سازی" در لس آنجلس به منظور آوردن کارگران بیشتری به اتحادیه به دنبال داشت (یادداشت‌های کارگر، 2007، ص 1، ص 14). پیشرفتهای اخیر آنگونه که حداقل بعضی از کارگران سازمانیافته در ایالات متحده مینگردند، مسیر جدیدی را نمایندگی می کند.

مراکز کارگری در زمینه/متن یک جنبش کارگری وسیعتری که آنها نیز بخشی از آن هستند، بهتر فهمیده میشود. همانند اتحادیه ها برای پیدا کردن راههای جدید سازماندهی تلاش و تقلا میکنند، لازم است که ظرفیتهای آنان به همان اندازه دستاوردها و محدودیتهای اخیرشان دیده شود. این مراکز کارگری، زمین آموزشی بالقوه ای برای گروههایی از کارگران هستند که رهبران خودشان را پیدا میکنند و صدای خواسته ها و نگرانیهای های خود را می رسانند. نقش آنان چندان در تمرین مستقیم قدرت نیست، بلکه در جمع شدن دسته جمعی برای برجسته کردن مسائل، آموزش رهبران، و یاری و مساعدت در سازمانیابی بیشتر است. یک معیار برای سنجیدن پتانسیل آنها، درجه بقای شان به عنوان سازمان است. در فضا و جو سیاسی ای که بیشتر جنبشهای اجتماعی توده ای کمرنگ/پژمرده شده اند، اتحادیه ها اعضا و قدرتشان را از دست داده اند، و سیاست عمدتاً به نفع مردم طبقه کارگر به طور عام و مهاجرین بویژه نیست، حتی قدیمی ترین مراکز کارگری به بقا خود ادامه داده و رشد و پیشرفت کرده اند، در حالیکه جدیدیها نیز که برخاسته اند این جو را به چالش می طلبند.

نتیجه گیری

در این بخش میزان مهاجرت به ایالات متحده و تاثیرات آن بر بازار کار و تلاشهای کارگران مهاجر برای سازمانیابی در اتحادیه و تشکلهای اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته. مهاجرت توده ای به ایالات متحده،

نیروی کار را هم از نظر جمعیتی و هم جغرافیائی تغییر داده است. اکثریت مهاجرین در ایالات متحده از آمریکای لاتین آمده اند، پس از آن آسیا با فاصله کمی قرار دارد. کار مهاجرین اکنون در طیف گسترده ای از صنایع، تولید کالاها و خدمات هر دو قابل مشاهده است. در حالیکه میتوان مهاجرین را تقریباً در هر سطح از نیروی کار یافت، اکثریت آنها در مشاغل هستند که پائین ترین دستمزد را دارد. الگوی مهاجرت در درون کشور آنچنان است که همگرایی سابق بین کشور منشا، محل مسکونی، و محل کار دوباره سربر آورده است و مهاجرین تلاش میکنند که به اشکال متنوع سازمان یابند. این مساله، برآمد سازمانهای کارگری مهاجرین را در اتحادیه ها و مراکز کارگری تازه ایجاد شده مبتنی بر تشکل اجتماعی تسهیل کرده است. هر چند با این وجود بر آورد شده که پنج میلیون کارگر مهاجر برای این حق که در محیط کار مورد آزار و اذیت قرار نگیرند اقدام به اعتصاب سراسری کردند. قابل توجه است که اتحادیه ها این فرا خوان را نداده بودند و فقط نقش حمایت کننده را ایفا کردند. شبکه ای از تشکلهای دفاعی/حمایتی، اجتماعی و کلیسا ستون فقرات سازمانی آنها تشکیل دادند.

این فصل سئوالاتی را مطرح میکند. آیا استراتژی و ساختار اتحادیه های امروز مناسب این کار است؟ آیا آنها حتی به بعضی از گروههای مهاجر با بیشترین قدرت بالقوه چانه زنی نگاه میکنند؟ آیا اتحادیه ها قادرند که به مراکز کارگری بعنوان بخشی از جنبشی مشابه بنگرند؟ علائم دلگرم کننده ای وجود دارد. علیرغم تنشهای اولیه و باقی مانده بین اتحادیه ها و مراکز کارگری مبتنی بر تشکلهای استوار بر جماعت، رشد همگرایی منافع وجود داشته است، حتی تا جایی که ای. اف. ال. سی. آی. او (فدراسیون کار آمریکا - کنگره سازمانهای صنعتی) مراکز کارگری را بعنوان نماینده مشروع کارگران شناخت. مراکز کارگری کمک کننده و/ یاری دهنده اتحادیه ها می باشند. این پیشرفت ممکن است که کلید احیا و بازسازی کارگر متشکل در ایالات متحده را در دست داشته باشد.

References

- Archibold, R. (2006) "Strategy Sessions Fueled Imigrants Marches ", *New York Time*, April 12, 20006. www.nytimes.com.
- Association Press (2006) "Immigration Rally Chiefs Ponder what's Next", ", *New York Time*, May 2, 2006, www.nytimes.com
- Bureau of Labor Statistics (2005) *News*, "Labor Force Characteristic of Foreign-Born Workers in 2004", USDL 05-834, www.bls.gov.
- (2006) *News*, "Foreign-Born Workers: Labor Force Characteristics in 2005", USDL 06-640.
- (2007) *News*, "foreign -Born Workers: Labor Force Characteristics in 2006", " USDL 07-0603. , www.bls.gov
- Delgado. H. (2000) The Los Angeles Manufacturing Action Project: An Opportunity Squandered? In Milkman R. (ed.) *Organizing Immigrations: The Chalenge for Unions in Southern California*, Ithaca NY: Cornell University Press.
- Department of Commerce (1984, 1990. 20000, 2001, 2006, 2007). *Statisticcal Abstract of the United States*, Washington DC.
- Department of Homeland Security (2005) *Yearbook of Immigration Statistics*, Washington DC, Office of Immigration Statistics, www.uscis.gov.
- (2006) "Estimates of the Unauthorized Immigrant Population Residing in the United States: January 2005 ", *Population Estimates*, Washington SC: Office of Immigration Statistics
- Fine. J. (2006) *Worker Centres: Organizing at the Edge of the Dream*. Ithaca NY: Cornell University Press.
- Fink. L (2003) *The Maya of Morganton: Work and Community In the Nuevo New South*. Chapel Hill NC, University of North Carolina.
- Halle, D., Gordon, R. and Beverage, A. (2003) "Residential Separation and Segregation, Racial and Latino Identity, and Racial Composition of Each City", in Halle, D. (ed) *New York & Los Angeles: politics, Society, and Culture a Comparative view*. Chicago: university of Chicago Press.
- Immigrant Solidarity Network (2007) "Coverage of May Day 2007 " *Immigrant News Briefs*, 10(12), May 6, 2007. www.immigrantsolidarity.org.
- Jayaraman, S. (2004) "in the Wake of 9/11: New York Restaurant Workers Explore New Strategies ", www.labornotes.org.
- Jenkins, S. (2002) "Organizing, Advocacy, and Member Power", *Working USA: The Journal of Labor and Society*, 6(2), Fall,pp. 56-89.
- Lamphere, L., Stepick, A. and Grenier, G. (eds) (1994) *Newcomers in the Workplace: Immigrants and the Restructuring of the Workplace*. Philadelphia: Temple University Press.
- Labor Notes (2000) (253), April, pp.1, 14.
- (2003)(289).April. p. 5.
- (2006a) (327), June, pp. 1, 6.
- (2006b) (329), August, pp10, 11.
- (2006c) (332), November, p. 13.
- (2007a) (334), January, pp.1. 14.
- (2007b) (343), October, pp, 1, 13.
- Lopez, N. (2007) "Strategy and Tactics for Immigrations "Rights in 2007 ,*Against The Current* (127), March/April 2007, pp. 4-9.
- Make The Road By Walking (2005) *Annual Report*, Brooklyn NY.
- Marshall, R. (2007) "Getting Immigration Reform Right ", *EPI Briefing Paper 186*, Washington DC: Economic Policy Institute.

Mathew, B. (2005) *Taxi! Cabs and Capitalism in New York City*. New York: The New Press.

Migration Policy Institute (2004) "Immigrant Union Members: Numbers and Trends", *Immigration Facts*, (7) May, www.migrationpolicy.org.

Milkman, R. (ed) (2000) *Organizing Immigrants: The Challenge for Union in Contemporary California*. Ithaca NY: Cornell University Press.

---and Wong, K. (2001) "Organizing Immigrant Workers: case Studies from Southern California ", in Turner, L., Katz, H. and Hurd, R., *Rekindling the Movement: Labour's for Relevance in the 21 Century*. Ithaca NY: Cornell University Press.

--- (2000) "Organizing the Wicked City: The 1992 Southern California Drywall Strike". In Milkman (ed) *Organizing Immigrants: The Challenge for Unions in Contemporary California*. Ithaca NY: Cornell University Press

Monthly Labor Review (2006), 129(5): 59-6.

Moody, K. (1988) *An Injury To All: The Decline of American Unionism*. London: Verso.

Ness, I. (2005) *Immigrants, Unions, and the New U.S. Labor Market*. Philadelphia: Temple University Press.

Piven, F.F. and Cloward, R. (1979) *Poor People's Movements: Why they Succeed, How they fail*. New York: Vintage Books.

Slaughter, J. (ed) (2005) *A Troublemakers Handbook 2: How to Fight Back Where you Work and Win!*. Detroit: Labor Notes.

Tait, V. (2005) *Poor Workers Unions: Rebuilding labor From Below*. Cambridge MA: South End Press.

United Nations (2006) *Trends in Total Migration Stock: The 2005 Revision, Department of Economic and Social Affairs*. New York. February.

United States Department of Justice (1999) *1997 Statistical Yearbook of the Immigration and Naturalization Service*, Washington, DC, Immigration and Naturalization Service, www.uscis.gov.

Waldinger, R. (1996) *Still The Promised City? African Americans and New Immigrants in Postindustrial New York*. Cambridge MA: Harvard University Press.

Watanabe, T. and Mathews, J. (2006) "Unions Help to Organize" "Day Without Immigrants", *Los Angeles Times*, May3, 2006, www.latimes.com.